



## معماری به مثابه تاریخ مجسم

محمد بیگری

کارشناس ارشد معماری - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

### چکیده

اکنون در دوره‌ای قرار داریم که بدلیل عواملی همچون مدرنیته و افزایش سطح ارتباطات، جهانی سازی و تبادلات فرهنگی، بحران هویت یکی از دغدغه‌های جوامع بشری به حساب می‌آید و مدرن اندیشی، جوامع انسانی را با داشته‌های فرهنگی و معنوی خویش بیگانه ساخته است. لذا حفظ و تقویت عوامل دخیل در هویت در عین حفظ ارتباط با جهان پیرامون، اهمیت بیشتری می‌یابد. دغدغه اصلی این مقاله، هویت است و سعی بر آن شده تا مسئله هویت را از منظر ارتباط متقابل معماری و تاریخ با روش تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بررسی نماییم. معماری بناها به عنوان بستری شکل‌گیری تاریخ، در مطالعات تاریخی نقش بسزایی داشته‌اند. اطلاعاتی شامل پراکندگی و چگونگی استقرار، سبک زندگی، فنون، آیین و آداب و رسوم را می‌توان از بررسی بناها بدست آورد. همچنین شناخت تاریخ، خود از عوامل شکل‌دهی هویت تاریخی بوده و هویت تاریخی از عوامل تاثیرگذار بر هویت ملی است و این سلسله مراتب در جایی اهمیت خود را می‌نمایاند که اهمیت هویت را می‌شناسیم. در واقع هویت لازمه رشد اجتماعی است. هویت یک عامل مهم در وحدت و استقلال و عزت نفس جامعه است و به موجودیت جامعه معنا می‌بخشد. از طرفی همانگونه که معماری در انتقال مفاهیم هویتی و فرهنگی از گذشتگان برای امروز نقش آفرین بوده، امروز نیز معماری و محیط انسانی ساز می‌تواند عامل انتقال معنا و در نقش عصری هویت ساز عمل نماید. ساختمان و فضا می‌تواند گویا و منعکس کننده فرهنگ جامعه باشد تا ناخودآگاه انسانی که در این فضا قرار می‌گیرد، ارتباط معنایی با فضا ایجاد نماید.

**کلید واژه‌ها:** هویت، هویت ملی و تاریخی، معماری



## ۱- مقدمه:

### ۱-۱- بیان مسئله:

یکی از عوامل حیاتی رشد هر جامعه، هویت تاریخی و هویت ملی آن است. هویت عامل وحدت بخش جامعه است و استقلال جامعه و تداوم تاریخی ملی را تقویت می‌کند. هویت موضوعی است که مورد نیاز و خواست هر انسانی است. اما تحت تاثیر مسائل مختلف از جمله دوره روشنگری و مدرنیته، جهانی شدن و عصر ارتباطات، انسان امروز با مشکلاتی مانند بحران‌های هویتی، التقاط فرهنگی مواجه گشته است. این مشکل باعث تزلزل در هویت، از خود بیگانگی و پوچ گرایی و شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی زیاد در سطح جامعه گشته است.

### ۱-۲- اهداف و اهمیت موضوع:

هدف کلی از این مقاله بررسی ارتباط متقابل تاریخ و هویت (هویت تاریخی و هویت ملی) با معماری و سپس تبیین اهمیت این ارتباط متقابل در حفظ و تقویت فرهنگ جامعه است. بررسی معماری بناها و سکونتگاه‌ها به عنوان یکی از روش‌های قابل اطمینان مطالعه تاریخ و هویت تاریخی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. از طرفی براساس مطالعات روان‌شناختی محیط، حس حضور در فضا و درک روح فضا در درک تاریخ و مشخصه‌های فرهنگی بسیار موثر است. این موضوع صرف اهمیت بیش از پیش را برای حفظ میراث تاریخی توجیه می‌نماید. نقش هنر و به طور ویژه معماری در تقویت و حفظ هویت هر جامعه‌ای با توجه به ماندگاری و شفافیت و امکان لمس و درک راحت آنها و همچنین صداقت و عدم امکان تحریف آنها، بسیار با اهمیت است. لذا با توجه به دغدغه‌های زاویه نگرشی که در این مقاله به معماری ارائه می‌شود، معمار می‌تواند مشخصه‌های هویتی جامعه را در طرح خود منعکس نماید.

### ۱-۳- سوالات طرح:

اولین سوالی که مطرح می‌شود این است که حفظ و نگهداری از بناهای تاریخی چگونه و چه مقدار در افزایش شناخت تاریخی و افزایش سطح هویت تاریخی جامعه موثر است؟

به عنوان دومین سوال، چگونه می‌توان از طریق معماری در جهت حفظ و تقویت هویت جامعه گام برداشت؟



## ۲- تاریخ و هویت:

تاریخ عبارتست از علم به وقایع و حوادث و او ضاع و احوال از سانها در گذشته (تاریخ نقلی) و شناخت قواعد و سنن حاکم بر زندگی های گذشته (تاریخ علمی) و همچنین علم به تحولات و تطورات جامعه ها از مرحله ای به مرحله ای دیگر و شناخت قوانین حاکم بر آن تطورات و تحولات (فلسفه تاریخ). این تعریفی است که مرتضی مطهری در کتاب "جامعه و تاریخ" در مورد تاریخ ارائه داده است. تاریخ یک ملت، خواه ناخواه پیام هایی برای آن ملت دارد و این پیام ها در ساخت بافت هویت مخاطبانش نقش ویژه ای دارد. هویت عبارتست از مجموعه باورها، هنجارها، ارزشها و مشخصه های فرهنگی یک جامعه که در طول تاریخ آن جامعه و تحت تاثیر مکاتب فکری و اعتقادی حاکم بر جامعه و همچنین متأثر از وقایع تاریخی، با مرور زمان شکل گرفته است و افراد جامعه با آن شناخته می شوند. به عنوان مثال عناصر هویتی، می توان زبان، دین و آئین، ملیت و آداب و رسوم ملی و مذهبی جامعه، شخصیت های تاریخی و ادبی جامعه و از این قبیل را بر شمرد. اریک اریکسون (۱۹۹۴-۱۹۰۲) اولین کسی بود که هویت را به عنوان دستاورد مهم شخصیت و گامی مهم به سوی تبدیل شدن به فردی ثمربخش و خشنود، تشخیص داد. تشکیل هویت عبارتست از مشخص کردن اینکه چه کسی هستید، برای چه چیزی ارزش قائلید و چه مسیر را می خواهید در زندگی دنبال کنید. هویت یک عامل مهم در وحدت و استقلال و عزت نفس جامعه است و به موجودیت جامعه معنا می بخشد. در واقع لازمه تشکیل جامعه هویت است و بدون وجود هویت از جامعه فقط تجمعی از افراد را خواهیم داشت.

در باب تعریف هویت به نظر یکی از حکمای مسلمان نیز اشاره می کنیم، از نظر فارابی: هر چیزی دارای ماهیتی است ممتاز از وجود (هویت)، ماهیت، عین وجود نیست و وجود جز مقدم ماهیت هم نیست. بدین گونه فارابی در اینجا کلمه ی هویت را با کلمه وجود به طور مترادف به کار می برد. در زمینه ی جنبه های هویت موضوعات متنوعی مطرح است که کمال مطلوب؛ تطابق خواست انسان با آن چیزی است که نمایانده می شود، و در عین حال وحدت جامعه را خدشه دار نمی نماید، جامعه را مقلد جلوه نمی دهد، استقلال جامعه را تقویت می کند و تداوم تاریخی ملی را فراهم می کند (کوهی فرد، جاوید نژاد، ۱۳۹۵).

هنگامی که جامعه همواره فضایی آشنا را تجربه کند، زمینه ساز خودباوری ملی و شکوفایی بیشتر افراد خواهد شد. در این راستا دو مفهوم هویت ملی و هویت تاریخی را مطرح می کنیم.

هویت ملی: هویت ملی در درجه ی نخست، زاینده ی محیط جغرافیایی هر ملت است. سه بُعد: سرزمین، فرهنگ و زبان، سه شاخص اصلی هویت ملی به شمار می روند. هویت پدیده ای است که از "من" آغاز و به "ما" منتهی



می‌شود و از احساس استقلال فردی تا احساس تعلق اجتماعی گسترش می‌یابد. در واقع عناصر هویت آن‌هایی هستند که فرد را به مجموعه‌ای وسیع‌تر به نام ملت و یا ملیت پیوند می‌دهند. (افروغ، ۱۳۹۰).

هویت ملی یکی از اساسی‌ترین عناصر و پیش شرط‌های ضروری دستیابی به وحدت و همبستگی ملی است. (قنبری برزیان و جعفر زاده پور، ۱۳۹۰) برآمده از مشترکات اجتماعی و ملی است و بر تعلق و تعهد افراد به جامعه‌ی ملی تأکید دارد.

هویت تاریخی: تاریخ یک ملت، که تجربه زندگی اجتماعی اوست، ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. هر کدام از این عوامل و ابعاد در نقش تاریخ یک ملت، در ساخت بافت هویت ملی و اجتماعی مخاطبانش نقش خاص خود را دارد. هویت تاریخی عبارتست از اساس تعلق به گذشته و پیوند با علقه‌هایی که آدمی را به اصل و ریشه‌های فرهنگی و تاریخی‌اش مرتبط ساخته و متصل می‌نماید. نکته جالبی که در این بین به ذهن می‌رسد این است که، با توجه به تحولات مرزبندی‌های کشورهای در طول تاریخ، ممکن است چند ملت یا کشور با وجود تفاوت در هویت ملی‌شان، دارای هویت تاریخی مشترکی باشند.

همانگونه که هویت تاریخ و هویت ملی عامل تاثیرگذار در اجتماع هستند، نبود هویت می‌تواند بحرانی مهم قلمداد گردد.



### ۳- بحران هویت:

با ظهور مدرنیته و افزایش سطح ارتباطات، گسترش جهانی سازی و افزایش سطح تبادل فرهنگی، در کنار تمام پیشرفت‌ها و افزایش آگاهی‌ها، بحران هویت یکی از دغدغه‌های جوامع بشری شد. مدرن اندیشی، جوامع انسانی را با داشته‌های فرهنگی و معنوی خویش بیگانه ساخت. در این بیگانگی نسبی، نبود تکیه گاه هستی شناختی و اعتقادی به عنوان پشتوانه شخصیت، انسان را در عصر نوگرایی دچار تزلزل در هویت نموده است.

عوامل بسیاری در ایجاد نابسامانی‌های هویتی دخیل‌اند که شناسایی آنها به حل مشکلات کمک خواهد کرد. یکی از این عوامل بی‌توجهی به اصول معماری سنتی، بومی و تاریخی است. معماری سنتی که در گذر زمان بر اساس فرهنگ و اقلیم و با آزمون و خطای استادان معماری شکل گرفته، میراث ارزشمندی است که حاوی اصول و اساس فرهنگی، محتوایی و هویتی است. اما با ورود تکنولوژی‌های نوین ساخت و با حذف روش‌های سنتی ساخت، به اشتباه و با غفلت، اصول و مبانی فکری و فرهنگی آن بناها نیز تا حد زیادی حذف گردید. گسست تاریخی روزگار معاصر از سیر تکامل دستاوردهای پیشینیان معماری، موجب پیدایش فضایی ناخوانا در شهرهای معاصر شده است.

این ناخوانایی تا جایی پیش رفته که دیگر نمی‌توان رابطه‌ای منطقی با معماری گذشته و جغرافیا برقرار کرد. عدم ارتباط معماری با جغرافیا و فرهنگ، انسان را از محیط دور می‌سازد و علاوه بر از بین بردن آداب و رسوم، هماهنگی با محیط را نابود می‌کند. اگر معماری در تمام اقلیم‌ها یکسان باشد، معماری پایدار همساز با محیط از بین می‌رود؛ امری که در معماری بومی به خوبی مشهود بود. معماران گذشته‌ی ما انسان‌هایی چندبعدی بودند. به عقیده‌ی آن‌ها، یک معمار سنتی خوب کسی است که از همه‌ی دانش خود در جهت ایجاد بنایی که شایسته‌ی زندگی انسان‌ها باشد استفاده کند (پاکزاد، ۱۳۸۵).

کالبد همگن، هماهنگ و متعادل یک شهر که عاری از تسلط عناصر مادی و یا اظهار تشخیص و تمایز انسان‌ها توسط عمارات باشد، تاثیر به‌سزایی در احساس وحدت و همراهی و همدلی و تجانس اهالی شهر خواهد داشت. در حالی که در شهری که هر ساختمان آن بخواهد "من" بگوید و بخواهد خویش را از دیگران متمایز و برتر نشان دهد؛ عامل بروز عدم تعادل و ناهماهنگی و تفرقه اهالی شهر می‌شود (نقی زاده، ۱۳۸۵).

در نگاهی بنیادی به مسئله بحران هویت، تیتوس بوركهارت به تحلیلی تطبیقی میان وجود بحران در دو تمدن مسیحی و اسلامی پرداخته است. وی در باب هنر بر این باور است که هنر مسیحی با از دست دادن اصول معنوی خود منحط گردید و هنر اسلامی ضعف خود را از وجوه کالبدی و بیرونی آغاز نمود (بوركهارت، ۱۳۴۹). مسیحیت عوامل بحران‌ساز را در ناهماهنگی‌های درونی خود داشت، ولی تمدن اسلامی با تهاجمی بیرونی مواجه گردید که به تدریج بر حوزه‌های درونی آن موثر واقع شد و پیوستگی مبانی اندیشه و هنجارهای معنوی در ساختار آن به سستی گرایید.



متناظر با دیدگاه بورکهارت فرآیند خروج از بحران در تمدن اسلامی روند بیرون به درون را می‌طلبید. حرکت اصلاحی بیرون به درون، بازسازی ساختاری و وجوه کالبدی با استفاده از تجربیات گذشته و ارزیابی نیازهای حاضر را پیش رو دارد (کوهی فرد، جاوید نژاد، ۱۳۹۵). به عبارتی طبق این دیدگاه معماری و هنر یکی از راهکارهای بیرون رفت از بحران است.

پس از گذر از دغدغه اهمیت خوانش معماری گذشته، نکته دیگر اهمیت معماری امروز است. در واقع بناهایی که امروز ساخته می‌شود، نه تنها یکی از جلوه‌های هویت ملی جامعه کنونی است بلکه قسمتی از هویت تاریخی نسل‌های آتی خواهد بود. اما متأسفانه بخش عمده‌ای از معماری امروز کشورمان حائز هویت و معنای کافی نیستند (تصاویر ۱ و ۲). انسان امروز و به طبع آن معمار امروز در دوران گذار قرار دارد. سنت را پشت سر گذاشته و در ابهام مزیت‌ها و معضلات مدرنیته در حال تکاپو است. در دنیای امروز برخلاف دنیای سنتی که باورها و سنت‌ها عامل نهایی تصمیم‌گیری بودند، اقتصاد تاثیرگذارترین عامل در زندگی بشر شده است. اولویت اول اغلب دست‌اندرکاران امروز، کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد است. غافل از اینکه طبعات ناشی از جامعه بی‌هویت و معماری منقطع از سیر تکاملی کالبدی، جبران‌ناپذیر و بسیار پرهزینه است.



تصویر شماره ۱: تصویر سمت راست انبوه سازی بدون در نظر گرفتن هویت

تصاویر شماره ۲: تصویر سمت چپ، یک نمونه از طراحی نمای کلاسیک با هویت غربی



#### ۴- تعریف معماری:

معماری عبارتست از طراحی فضا، محیط اقامت یا محل زندگی انسان به منظور فراهم آوردن محیط و فضای مناسب زیست مطلوب و انسانی و چون موضوع طراحی مرتبط با انسان و رفع نیازهای او است، لذا لازم است طراح تمام نیازهای انسان و تمام ابعاد وجودی او را بشناسد تا بتواند طرحی درخور و کافی برای کاربر ارائه نماید. حال که معماری با شناخت انسان و نیازهای او همراه شد، علوم زیادی زیر مجموعه این بحث قرار می‌گیرد. یک انسان در هر فرهنگ و در هر اقلیمی نیازهای خاص خود را دارد. پس لازم است یک معمار علاوه بر مباحث طراحی و سازه‌ای، شناخت کافی در مورد علوم همچون روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیا و حتی ادیان و مکاتب اعتقادی داشته باشد و در طرح خود مجموعه نیازهای زیستی، اجتماعی و هویتی کاربر را لحاظ کند. در تکمیل تعریف فوق، عبارتی از دکتر منصور فلامکی نقل می‌گردد:

" هر تمدن یا قومی در دوران مختلف، معماری خاصی را منطبق با فرهنگ خود ارائه می‌دهد. آنچه واضح است این است که معماران گذشته، که هم اکنون بناهای آنها را ساختمان‌هایی با هویت می‌دانیم، هرگز ابتدا هویت جامعه‌ی خود را جست و جو نکرده‌اند تا بر اساس آن و برای آن معماری کنند. آنها با هویت اجتماعی و دینی خویش زندگی می‌کردند و ناگزیر این هویت در اثر آنها نیز جاری و جاودانه است. بنابراین گم شده‌ی ما جای دیگری است تا به یک معماری ملی و با هویت فرهنگی دست یابیم (فلامکی، ۱۳۷۹).

از برآیند دو مطلب فوق چنین نتیجه‌گیری می‌گردد که برای طراحی معماری مناسب لازم است نیازهای انسان از جمله نیازهای روحی، روانی، معنوی و بویژه هویت او را شناخت. علاوه بر این لازم است در آن جامعه و با آن فرهنگ زندگی نمود. اگر بخواهیم بهتر بگوییم، لازم است جهت رسیدن به طرحی کاملتر برای هر فرهنگ و هر هویت، شخصی از همان فرهنگ و با همان هویت و با ارزش‌هایی سازگار و همسو برای طراحی انتخاب شود.



## ۵- هویت نهفته در معماری:

ادراک محیط بر اساس دانش و اطلاعاتی که انسان نسبت به اشکال و فضاها و عملکرد و معنای ظاهری و باطنی آنها دارد، سبب می‌گردد تا انسان مراتب مختلف ارتباط اعم از احساس هویت، احساس سرور و خوشی، احساس تعلق، احساس زیبایی، احساس ترس، احساس غم و اندوه، احساس غرور، احساس از خود بیگانگی، احساس غربت و بسیاری از احساسات و ارتباطات روانی را با محیط برقرار نماید که هر کدام از این احساسات ثمره رابطه‌ای است که اصول و ارزشهای فرهنگی انسان با ارزشهای نهفته یا متجلی در محیط که در واقع همان ارزشهای منبعث از جهان بینی سازنده محیط می‌باشند، برقرار می‌نماید. (کوهی فرد، جاوید نژاد، ۱۳۹۵)

معماری به عنوان بستر اتفاق زندگی بشر یکی از تأثیرگذارترین هنرها در جهت نمایاندن فرهنگ عامه و الگوهای ساختاری آن در هر دوره است. معماری بناهای هر دوره، اصولاً برآمده و متأثر از شرایط فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی همان دوره است و با بررسی بناهای تاریخی، اطلاعاتی اعم از پراکندگی، چگونگی استقرارها، سبک زندگی و عوامل اقتصادی، مجموعه آداب و رسوم، سطح فنون و تکنولوژی مورد استفاده، هنرهای رایج و همچنین اصول و مقیدات قدرت‌های حاکم بر جامعه را می‌توان درک نمود. لذا معماری هر بنا می‌تواند تا حدودی گویا و منعکس کننده وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوره خود باشد.

ویژگی بناهای تاریخی در خصوص انتقال هویت تاریخی نسبت به سایر منابع، عدم امکان تحریف، شفافیت و همچنین عدم امکان سرقت آنها است. بناها اگر در مقابل بلایای طبیعی و همچنین فرسودگی یا نقص استحکام، پایداری خود را حفظ نمایند، از صادق‌ترین و گویاترین منابع تاریخی در دسترس می‌باشند.

معماری ایران در دوره‌های مختلف تحولات اساسی به خود دیده است. براساس طبقه بندی معماری توسط دکتر عیسی حجت به معماری با وجه کالبدی گل و معماری با وجه دل، در روزگار معماری بدوی، انسان نیازمند به سرپناه، بیشتر سرگرم گل معماری بود تا دل آن. سپس در دوران معماری سنتی، معماری پس از سالها آزمون و خطا، راه کارها، الگوها و سرمشق‌های خود را یافت و پذیرای ارزش‌های معنوی و ماورایی شد. معماری سنتی به پشتوانه دست‌یافته‌های خود به کیفیت، کمال و جمال و در یک کلام به دل معماری دست یافت. اما در روزگار پس از معماری سنتی یعنی معماری مدرن و پس از آن وجه ماورایی معماری نفی شد (حجت، ۱۳۹۴). آنچه از این متن کوتاه دریافت می‌شود نیاز معماری به درک و حفظ "دل" و یا به عبارتی هویت و معنای بازمانده از معماری سنتی و همچنین تقویت و احیای روح معنویت و هویت معماری امروز و آینده است به عبارتی ترسیم معماری هم‌سو و سازگار با هویت ملی.





#### ۶- معماری همسو با هویت :

مدرنیته، جهانی شدن و پس از آن پست مدرنیته که فقط نمایشی از سنت‌ها را در معماری تصویرسازی می‌کند، هویت پنهان در لایه‌های درونی معماری را کمرنگ نمودند. این اتفاق در کشور ایران با سرعت بیشتری رخ داد. از زمانی که مسکن به عنوان صنعتی تجاری تلقی گردید، آفت‌هایی مانند ورود افراد غیر متخصص به این صنعت، امکان گذر از قوانین، نمونه‌برداری‌های طرح‌ها از فرهنگ‌ها و اقلیم‌های متفاوت و به صورت غیر اصولی و همچنین ساخت و ساز مدولار در تمام کاربری‌ها از جمله آموزشی یا درمانی (تصویر شماره ۳) و یا مسکونی (تصویر شماره ۱) جهت کاهش هزینه‌های طراحی، چهره‌ای غیرمتجانس به قسمت عمده‌ای از معماری ایران داده است و لذا در این وضعیت می‌توان گفت نسبت زیادی از معماری ایران دچار بی‌هویتی گشته است و شهر بی‌هویت انسان بی‌هویت درست می‌کند. این مشکلی است که پس از مدرنیته سنت‌گرایان در جهت حل آن تلاش نمودند. اما به بیان دکتر عیسی حجت "سنتی که سنت‌گرایان می‌ساختند همان سنتی نبود که مدرنیته از بین برده بود". (حجت، ۱۳۹۴). در واقع معماری سنتی حاصل تلاش کسی است که چون ماهی شناور در دریاست اما معماری سنت‌گرا حاصل تلاش کسی که در کنار دریا ایستاده است و نظاره‌گر آن بی‌کران است. او می‌گوید: "معماری سنت‌گرا در شاید سته‌ترین شکل خود، پارا از تعریف و تمجید معماری سنتی فراتر نمی‌نهد و پاسخی را از جنس زمان به معماری سنت سوخته این سرزمین نمی‌دهد." (حجت، ۱۳۹۴)

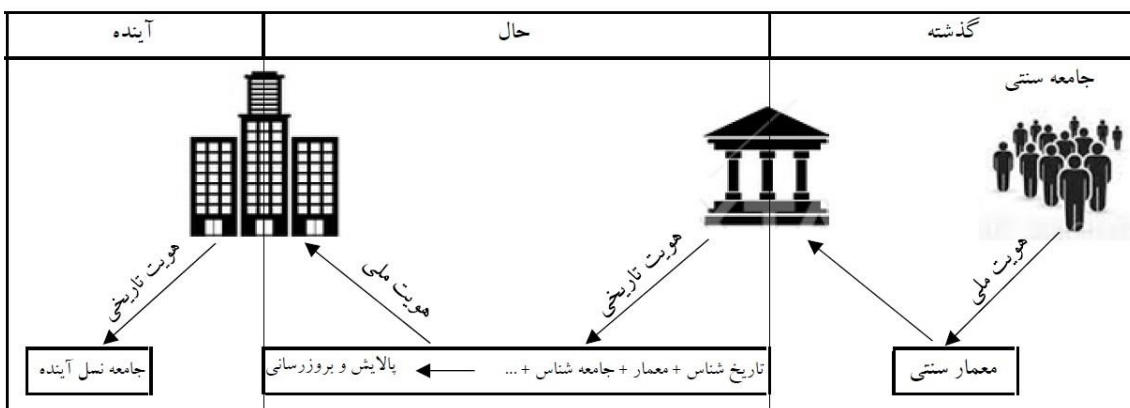


تصویر شماره ۳- بیمارستان‌های شهرهای یزد، زاهدان، کرمان و بوشهر به ترتیب از بالا و راست با نقشه‌های مدولار و یکسان



تلاش های دیگری که در این زمینه صورت گرفته است در قالب های زمینه گرای و منطقه گرای فرهنگی تعریف می شوند که زیر شاخه پست مدرنیته هستند. آنها نیز در پی مطالعه و بررسی فرهنگ و هویت تاریخی بستر طرح و سپس انجام طراحی با مشخصه های فرهنگی منطقه مورد نظر بودند. البته که هم تلاش سنت گرایان و هم تلاش معماران پست مدرن منطقه گرا در ستاوردهای قابل تقدیر داشته اند. اما نقل به مطلبی که در تعریف معماری از دکتر فلامکی نقل نمودیم، طرحی برای هویت دهی به معماری کارآمد خواهد بود که طراح آن ها با هویت اجتماعی و دینی خویش زندگی کرده و ناگزیر این هویت در اثر او نیز جاری شود، این طرح چون از دل برمی آید، بردل خواهد نشست و جاودانه خواهد بود. این همان اتفاقی است که در هنر بازیگری رخ می دهد و بازیگر برای درک بهتر نقش و فیلمنامه مدت ها خود را در موقعیت مربوطه قرار می دهد و با آن شرایط زندگی می کند تا حاصل هنرش به هویت واقعی نقش نزدیک تر باشد. این موضوع در امر طراحی حتی مهمتر نیز است و لازمه طراحی مبتنی بر بستر هویت تاریخی و بستر فرهنگی علاوه بر مطالعه و شناخت آن فرهنگ، زیستن در آن و درک هنجارها و ارزشهای بروز آن است که با هویت تاریخی آن انطباق داشته باشد.

نکته قابل توجه دیگر، تغییر فرهنگ ها متناسب با وضعیت موجود جامعه می باشد. در حقیقت یکی از وظایف متولیان فرهنگ و هویت جامعه انطباق ارزش ها و هویت تاریخی با وضعیت موجود می باشد. در معماری نیز شناخت هویت تاریخی و ارزش های جامعه و سپس درک حضوری آن قدم اول در این راه و سپس قدم دوم و بلکه مهمتر، بروزرسانی و پالایش مشخصه های آن بر اساس نیازها و ارزش های روز جامعه، با کمک متخصصین علوم انسانی است (تصویر شماره ۴). پس برای طراحی و ساخت بنایی که بتواند با روح و روان جامعه ارتباط برقرار نماید، نیاز به روانشناس، جامعه شناس و تاریخ شناس است.



تصویر شماره ۴: نمودار معماری همسو با هویت



## ۷- نتیجه گیری:

تاریخ یک ملت، خواه ناخواه پیام‌هایی برای آن ملت دارد و این پیام‌ها در ساخت بافت هویت مخاطبانش نقش ویژه‌ای دارد. همانطور که در تعریف هویت آمد، هویت عامل وحدت بخش و عامل همبستگی جامعه بوده و بی‌هویتی جامعه، از موانع رشد و استقلال و عزت نفس آن است. براساس برداشت از بیان تیتوس بورکهارت، طریق مناسب برای اصلاح هویت از دست رفته یک جامعه با بستر دینی اسلامی، بازسازی ساختاری و وجوه کالبدی با استفاده از تجربیات گذشته و ارزیابی نیازهای حاضر است. یکی از این وجوه کالبدی معماری است. طبق جملاتی که از دکتر عیسی حجت و دکتر فلامکی نقل گردید، برای اینکه معماری دارای مشخصه‌های هویتی و فرهنگی کافی و مناسب باشد، لازم است معمار، تربیت شده و زیسته در همان فرهنگ و حاوی همان هویت باشد تا بتواند حق مطلب را ادا کند.

با ملاک قرار دادن مطالب فوق و توجه به اهمیت معماری در هویت‌دهی به جامعه و حفظ و تقویت هویت ملی، نگاهی گذرا به ارتباط متقابل تاریخ و هویت با مسئله معماری نمودیم. آنچه واضح است اینکه معماری گذشته ما گنجینه‌ای از فرهنگ و هویت تاریخی است که منبعی صادق و گویا از هویت ایرانی، اسلامی بوده و لازم است بیش از پیش در حفظ و همچنین بررسی و واکاوی جزئیات نهفته در آن کوشید.

همچنین برای طراحی معماری مناسب لازم است نیازهای انسان از جمله نیازهای روحی، روانی، معنوی، زیستی و بویژه هویت او را شناخت و این کار مستلزم همکاری با متخصصین جامعه‌شناس، روانشناس و تاریخ‌شناس است. علاوه بر بحث شناخت لازم است که طراح در آن جامعه و با آن فرهنگ زیسته باشد تا روح طرح و اثرش از درون به روح جامعه متصل باشد. اگر بخواهیم بهتر بگوییم، لازم است جهت رسیدن به طرحی کاملتر برای هر فرهنگ و هر هویت، شخصی از همان فرهنگ و با همان هویت و با ارزش‌هایی سازگار و همسو برای طراحی انتخاب شود.



## منابع:

- افروغ، محمد، نقوش قالی د ستافت ایرانی (عنا صر و نمادهایی از هویت ملی)، فصل نامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره ۴، سال ۱۳۹۰.
- پاکزاد، جهانشاه، سیمای شهر، آنچه کوبین لینیچ از آن می فهمید، نشریه ی آبادی، ۱۳۸۵.
- حجت، عیسی، سنتِ سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.
- فلامکی، منصور، مرمت شهری، چشم اندازها نگرانی‌ها، فصلنامه هفت شهر، شماره اول، ۱۳۷۹.
- قنبری، برزیان و چعفرزاده پور، قدرت هویت ملی در میان ایرانیان، فصل نامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره ۴، سال ۱۳۹۰.
- کوهی فرد، الناز و جاویدنژاد، واکاوی رابطه متقابل محیط شهری و معماری با فرهنگ و هویت، اولین همایش ملی فن آوری در مهندسی کاربردی، تهران، سال ۱۳۹۵.
- نقی‌زاده، محمد، مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، سال ۱۳۹۱.